

## تحلیل زبان‌شناختی «خروج امریکا از برجام» در گفتمان‌های دو شبکه «العربیة» و «المنار»

رضاعلی قاسمی نسب<sup>۱</sup>، علی ضیغمی<sup>۲\*</sup> سیدرضا میراحمدی<sup>۳</sup>

- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، ایران.
- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، ایران.
- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، ایران.

دریافت: ۹۷/۵/۲۸ پذیرش: ۹۷/۸/۲۲

### چکیده

رسانه‌ها نمی‌توانند مخاطبان خود را وادار سازند که «چگونه» بینیشند؛ اما می‌توانند با به‌کارگیری مهارت‌هایی، آن‌ها را ترغیب کنند که به «چه موضوعی» فکر کنند، به همین منظور با برجسته‌سازی پیام‌هایی که در راستای اهداف آن‌هاست، توجه مخاطبان را به آن موضوع جلب می‌کنند. برای برجسته‌سازی پیام در رسانه‌ها، تکنیک‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها، تکنیک‌های زبانی است. پژوهش حاضر به تحلیل زبان‌شناختی خروج امریکا از برجام در گفتمان‌های دو شبکه «العربیة» عربستان و «المنار» لبنان با استفاده از الگوی ون‌دایک می‌پردازد. «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» تکنیک‌هایی هستند که این دو شبکه تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از آن، قوت گفتمان خود را برجسته کنند و در مقابل قوت غیر (دشمن) را به حاشیه ببرند و ضعف وی را برجسته کنند. داشتن ایدئولوژی متفاوت نسبت به برجام، معیار اصلی انتخاب این دو شبکه خبری بوده است. این شبکه‌ها تلاش کرده‌اند با استفاده از ابزارهای زبانی چون تکرار، مبالغه، تضاد، قصر و... به دنبال تأثیرگذاری بر مخاطب و اقناع وی باشند و به همین منظور با انتخاب دقیق حروف و واژگان به‌کار رفته در متن اخبار، واقعیت‌ها را به گونه‌ای دیگر نشان دهند و پیام پنهان مورد نظر خود را زیرکانه و غیرمستقیم به مخاطبان منتقل کنند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، برجام، ون دایک، العربیة، المنار.

\* نویسنده مسئول مقاله:

## ۱. مقدمه

روزانه هزاران رویداد خبری - که در ورای آن اهداف پنهان صاحبان رسانه‌ها نهفته است - به مخاطبان عرضه می‌شود. رسانه‌ها آینه‌ای نیستند که این رویدادها را بدون کوچکترین دخل و تصرف به مخاطبان معرفی کنند؛ بلکه کاهی با افزونی یا کاستن چیزی به آن رویداد، واقعیت را بازسازی و این واقعیت دستکاری شده را که در ورای آن اهداف موردنظر صاحبان رسانه‌ها پنهان است، به مخاطبان عرضه می‌کنند. یکی از شیوه‌های رسانه‌ها برای تحقق این امر «برجسته‌سازی»<sup>۱</sup> است؛ یعنی رویدادی که اتفاق افتاده بزرگ‌تر از آنچه هست بازتاب داده شود. «حاشیه‌رانی»<sup>۲</sup> نیز یکی دیگر از شیوه‌های دستکاری رویدادها در رسانه‌های است؛ یعنی رویداد کوچکتر از آنچه هست به مخاطبان عرضه شود. رسانه‌ها شیوه‌های مختلفی برای بر جسته‌سازی و حاشیه‌رانی دارند که یکی از این شیوه‌ها، استفاده از طرایف‌های زبانی است.

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه ون دایک<sup>۳</sup> به بررسی چهار متن خبری که با خروج امریکا از برجام قرابت زمانی دارند، از شبکه‌های «عربستان» و «المنار» لبنان پرداخته است. بر اساس این نظریه، رسانه‌ها با بهره‌گیری از دو اصل بر جسته‌سازی و حاشیه‌رانی، معنای موردنظر خود را به مخاطبان عرضه می‌کنند.

اهمیت این پژوهش در آن است که با ذکر مصادق‌های عینی بهره‌گیری از زبان در راستای اهداف رسانه‌ای، این امکان را برای مخاطبان رسانه‌ها و بهویژه مدیران، سردبیران و خبرنگاران فراهم می‌کند تا در تحلیل و تفسیر خبری به لایه‌های پنهان، دقت بیشتری کنند و تحلیل دقیق‌تری از رویدادها ارائه دهند.

دو پرسش اصلی این پژوهش از این قرار است:

۱. دو شبکه «عربستان» و «المنار» چگونه با بر جسته‌سازی و حاشیه‌رانی، معنای پنهان موردنظر خود را به مخاطبان منتقل کرده‌اند؟
۲. این دو رسانه در گفتمان‌های خود از چه استراتژی‌های زبانی - با توجه به موضع ایدئولوژیک متقاوت - درخصوص اخبار مربوط به خروج امریکا از برجام بهره برده‌اند؟

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره تحلیل گفتمان مقالات زیادی نوشته شده است؛ اما نگارندگان با پژوهشی موافق نشدنده که به تحلیل گفتمان خروج امریکا از برجام بهویژه در رسانه‌های عرب‌زبان پرداخته باشد. از جمله پژوهش‌های مشابه که در آن به تحلیل گفتمان پرداخته شده، مقاله مظفری (۱۳۹۶) با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی بازتاب برجام در گفتمان‌های رقیب بر اساس الگوی رویکرد انتقادی فرکلاف»<sup>۴</sup> است. وی در این مقاله اشاره کرده است که رسانه‌های اصلاح طلب و اصول-گرا با توجه به موضع ایدئولوژیک خود از چه استراتژی‌های زبانی درخصوص برجام استفاده کردند تا از این طریق به تحریب گفتمان رقیب بپردازند و گفتمان خود را به عنوان گفتمان برتر به مخاطبان معرفی کنند.

بشیر در کتاب *قرائتی با تحلیل گفتمان* (۱۳۹۰) به تحلیل سیزده خبر مهم رسانه‌های جهان بر اساس الگوی فرکلاف پرداخته است. وی در مقاله دیگر خود با موضوع بیداری اسلامی و ایران‌هایی به تحلیل گفتمان مطبوعات غربی پرداخته و نشان داده است که مطبوعات غربی از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنند تا در بین افکار عمومی، تصویری از ایران منزوی ترسیم کنند. سرابی و بهجتی (۱۳۹۵) نیز در مقاله خود به شباهت‌ها و تفاوت‌های گفتمان خبری سایت‌های فارسی شبکه‌العربیه و BBC درباره اعتراضات مردم بحرین پرداخته‌اند.

نیک ملکی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با موضوع *تحلیل گفتمان اخبار شبکه‌های العالم و الجزیره* نشان داد که این دو شبکه در پوشش خبری رویدادهای بحران عراق چه گفتمانی را بازخوانی می‌کنند.

آفگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مقاله «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیون)» تأکید می‌کنند با وجود ادعای بازنمایی بی‌طرفانه و قایع توسط خبرگزاری‌ها و مطبوعات مهم بین‌المللی، جریانی هدفمند از سازوکارهای زبانی و اجتماعی در مطالب منتشرشده توسط آن‌ها درباره پرونده اتمی ایران دیده می‌شود.

## ۲. تحلیل گفتمان و نظریه ون دایک

اموریت تحلیل گفتمان عبور از لایه‌های سطحی زبان و رسیدن به لایه‌های زیرین آن است. شناخت معنای غیرآشکار متون خبری به درک بهتر این متون کمک می‌کند و سبب می‌شود مخاطب با نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تر اخبار رسانه‌ها را پیگیری کند. تحلیل گفتمان برای نخستین بار از سوی زلیگ هریس<sup>۰</sup> به کار رفت (بهرامپور، ۱۳۸۹: ۸). از نظر پژوهشگر عرصه تحلیل گفتمان، عوامل مختلفی در تولید و انتقال معنا سهیم هستند که برخی از آن‌ها زبانی و برخی دیگر غیرزبانی هستند. «معنا و مفهوم محتوا کلام نتیجه عناصر درون‌زبانی (متن) و بروزن‌زبانی (موقعیتی، فرهنگی و...) است که حاصل تعامل با یکی‌گردن» (آقائلزاده، ۱۳۹۴: ۱۵).

تئون ون دایک، استاد دانشگاه آمستردام هلند در دهه ۱۹۸۰، «هدف اصلی تحلیل گفتمان را آشنایی با شیوه‌های بازتولید روابط قدرت در سطح تحلیل گفتمان و آگاهی‌بخشی به جامعه، به منظور فائق‌آمدن بر تعصبات و نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند» (آقائلزاده و خیرآبادی، ۱۳۹۲: ۵۶).

«ون دایک معتقد است رسانه‌ها با بازنمایی «خود و دیگری» یا «ما و آن‌ها» بر مخاطبان خود تأثیرمی‌گذارند» (معتمدی‌زاده و مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹).

وی معتقد است «مثبت جلوه دادن خود و منفی جلوه دادن دیگری به صورت منفی، بر عقاید و نگرش‌های «ما» درباره «آن‌ها» در قلمرو اجتماعی بسیار تأثیرگذار است» (همان). گفتمان‌های قدرت نیز در چارچوب معیارها و بنابر هدف‌های مشخص خود به تولید و بازتولید نشانه‌هایی می‌پردازند و در این راستا «در تلاش هستند که این نشانه‌ها را ثابت کنند و با استفاده از این منابع به سلطه خود مشروعیت بخشد» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). رسانه‌ها برای اجرای این شیوه‌ها تلاش می‌کنند تا با انتخاب حروف، واژگان و جمله‌ها و چیزی هدفمند آن‌ها در کنار هم‌دیگر، به صورت نامحسوس مفاهیم موردنظر خود را به مخاطب منتقل کنند.

## ۴. برجام

مذاکرات بلندمدت ایران و کشورهای گروه ۱+۵ بر سر برنامه هسته‌ای ایران سرانجام در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵م) به امضای یک توافق بین‌المللی در وین اتریش منجر شد که

به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) معروف است. شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۲۲۳۱ از این توافق حمایت کرد و پس از آن کشورهای امضاکننده برجام به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن موظف شدند.

با انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور امریکا، شمارش معکوس برای خروج این کشور از این معاهده بین المللی آغاز شد. ترامپ سرانجام در تاریخ ۲۸ اردیبهشت (۸ مه ۲۰۱۸) از برجام خارج شد. خروج ترامپ از برجام بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان داشت؛ رسانه‌های مختلف تلاش کردند با برجسته‌سازی یا حاشیه‌رانی نقاط مثبت و منفی این اقدام رئیس جمهور امریکا، پیام موردنظر خود را به مخاطبان عرضه کنند.

## ۵. تحلیل متون خبری شبکه العربية

العربیه یک شبکه خبری سعودی است که «در سوم مارس ۲۰۰۳ پخش برنامه‌هایش را آغاز کرد» (بنین، ۱۴۳۵ق: ۵۰۰). این شبکه در رقابت با شبکه الجزیره قطر که پیش از این در جهان - عرب به شهرت رسیده بود، نام خود را سر زبان‌ها انداخت. «العربیه همه کشورهای خاورمیانه، آسیا و اقیانوس آرام، آفریقای شمالی، اروپا، امریکا و استرالیا را پوشش می‌دهد» (همشهری آنلاین، ۱۳۸۷).

نخستین متنی که از شبکه العربیه انتخاب و تحلیل شد، مربوط به خبری درباره میزان پایبندی اتحادیه اروپا به برجام پس از خروج امریکاست.

### ۱-۵. الأمريکيون والأوروبيون وإيران

تاریخ الشیر: الأحد ۲۰ مايو ۲۰۱۸

محاولات الأوروبيين تضمين إيران بتحقيق مصالحها، بعد خروج الولايات المتحدة من الاتفاقية النووية، هو في النهاية تضمينات ستفشل قطعاً، فالأتراك يرتبطون مع الولايات المتحدة بعلاقات اقتصادية قوية، و ذات أولوية، و هي كما تقول الأرقام أضعاف المصالح التي تربطها بإيران، إضافة إلى أن الشركات الأوروبية الكبرى لن ترضى لأي ضغوط من حكوماتها للتعاقدات التجارية مع الإيرانيين إذا كانت هذه التعاقدات ستستفز الأمريكان، فضلاً عن أن أمريكا هي الدولة المسيطرة سيطرة تامة على المعاملات المالية الدولية، و ليس في مقدور أيّ دولة، بما فيها دول الاتحاد الأوروبي، التحديف عكس ما يفرضه الأمريكان من قيود، هذه حقيقة يعرفها الجميع. لذلك فإن الآباء التي تصدر عن دول



الاتحاد الأوروبي، بأن هناك طريقة يقوم من خلالها الأوروبيون بحماية شركائهم العاملة في إيران فيما لو لم يرخصوا للقيود الأمريكية، هو ضرب من كلام لا يدعمه الواقع على الأرض.

الرئيس ترامب في تقديره هو من أقوى الرؤساء الذين حكموا الولايات المتحدة بعد الرئيس ريجان، و هو كما تقول الواقع يسعى فعلاً لا قولاً إلى إعادة هيبة و هيبة أمريكا و قوتها، و كل المؤشرات تقول إنه سينجح، كما أن إدارته تتكون من مجموعة من الصقور، الذين لم يجتمعوا فقط في إدارة سابقة، و لعل ضعف و خنوع و تردد سلفه الرئيس أوباما أعطاه تميزاً واضحاً عنه، فكما يقولون: و بضدتها تميز الأشياز، و هو بلا شك نقيس في كل تفاصيل سياساته و توجهاته مع الرئيس أوباما، و يتحقق من النجاحات قدراً كبيراً، يجعل المواطن الأمريكي يشعر فعلاً أن ترامب ليس رئيساً فحسب، وإنما زعيم بكل ما تحمله الكلمة من معنى.

و في المقابل، إيران دولة تمارس كل المواقن السياسية في منطقة الشرق الأوسط،... و الأوروبيون رغم اختلافهم مع الولايات المتحدة في قرار انسحابه من الاتفاقية النووية، يتفقون مع الرئيس ترامب في نظره لطلب هذه الاتفاقية،... و في تقديره أخفم سيقعون نظرياً ضمن الاتفاقية، لكنهم سيسعون إلى الضغط على إيران...، و ليس في يد إيران في النهاية إلا الرضوخ، و إلا فإن الحصار الأمريكي سيختنقها اقتصادياً، بالشكل الذي يلغى شيئاً اسمه الجمهورية الإسلامية في نهاية المطاف. وفي رأي أن المست الأشهر التي منحتها الحكومة الأمريكية للشركات العاملة في إيران لتسوية أوضاعها، هي من زاوية أخرى مهلة لإيران للتعامل العقلاني مع المأزق الذي وضعها فيه الرئيس ترامب، بعد انسحابه من الاتفاقية.

و من يقرأ وضع إيران الحالي، فلن يجد أمامها من خيارات إلا الإذعان، فالآوراق جمعها في يد الولايات المتحدة، و كل المؤشرات التي تلوح في الأفق تؤكد أنها عازمة على تقليل أظافرها من خلال العقوبات الاقتصادية الخانقة، وقد بدأت هذه العقوبات بمحصار أذرعتها في المنطقة، وهذه الأذرع سواء تلك الموجودة في لبنان أو سوريا أو العراق أو اليمن، إذ لم تجد تمويلاً مالياً، ستضعف ثم تذبل و تموت، خاصة إذا أخذنا في الاعتبار أن العقوبات الاقتصادية ستستنزف الاحتياطيات الإيرانية، ما يجعل قدرها على التحدى والصمود والمكافحة لن تطول كثيراً، وبالتالي لن تستطيع الحفاظ على قوبل ميليشياتها وأعمالها العدائية في المنطقة العربية؛ وهذا في تقديرى ما يخطط له الأمريكيون، ويعملون بجد على تفويته.

والسؤال: إلى متى سيصمد الإيرانيون؟.. لا أدرى على وجه التحديد، أما الذي أنا متأكد منه، أنه ليس أمام إيران إلا خياران لا ثالث لهما، إما المكافحة ومن ثم السقوط الحتمي، أو الإذعان والنجاة.

اكتنون با واكاوی این متن خبری، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که شبکه العربیه از چه ظرفیت‌های زبانی برای رسیدن به اهداف رسانه‌ای خود استفاده کرده است.

### ۱-۱-۵. دقت در انتخاب واژگان

در مورد اینکه رسانه‌ها در انجام مأموریت خود بی‌طرف هستند یا خیر، در حوزه‌های تجربی و تئوریک مطالعات رسانه‌ای دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. گروهی از فعالان رسانه بر این باورند که رسانه متبوع آن‌ها بی‌طرف است یا تلاش می‌کنند که در پوشش اخبار بی‌طرف باشند؛ اما در عین حال آن‌ها این موضوع را هم تأیید می‌کنند که در پوشش برخی از رویدادها از تکیک‌هایی نظیر برجسته‌سازی<sup>۷</sup>، تحریف<sup>۸</sup>، سانسور<sup>۹</sup>، تناقض‌گویی<sup>۱۰</sup>، ابهام<sup>۱۱</sup> و... نیز استفاده می‌کنند و استفاده از هریک از این تکنیک‌ها، موضوع بی‌طرفی رسانه‌ها را به مناقشه می‌کشاند و نشان می‌دهد که رسانه‌ها در انتقال پیام موردنظر خود خنثاً نیستند؛ بلکه به طور هدفمند به انتقال پیام اقدام می‌کنند.

یکی از روش‌هایی که رسانه‌ها برای پنهان کردن بی‌طرفی خود از آن استفاده می‌کنند انتخاب واژگان است؛ بدین منظور آن‌ها واژه‌هایی را در متون خبری خود به کار می‌گیرند که با استفاده از آن، احساسات و جهتگیری مخاطبان خود در قبال آن موضوع را مدیریت کنند.

چینش هدفمند و هوشمندانه واژه‌هایی نظیر «سنچل، سنتفر، دولتِ مسیطّرة، لیس فی مقدور...، لا یدمعه الواقع، سینچح ترامب، الموققات السیاسیة، اختلاف، الضغط على إیران، لیس فی يد إیران...، الحصار الامريكي، سینخفتها اقتصاديّاً، المأرق، تقلیم أظافرها، العقوبات الاقتصادية الخائفة، ستضعف، تذليل، قوت، ستسترف، لن تستطيع والسقوط الخمي» سبب شده تا با برجسته‌شدن نکته‌های منفی درباره ایران، پیام‌های نامیدکننده‌ای به مخاطبان مخابره شود. مخاطبی که این خبر را مطالعه می‌کند دهها واژه منفی در ضمیر ناخورآگاه او رسوب می‌کند و درباره ایران دچار یأس و نالمیدی می‌شود.

در ورای تیتر این خبر نیز پیام‌هایی پنهان برای مخاطب وجود دارد، نویسنده این خبر، با انتخاب این تیتر نشان داد که چطور می‌شود با بهره‌گیری از واژگان، معنای موردنظر خود را به مخاطب عرضه کرد بدون اینکه مخاطب متوجه سوگیری و جانبداری او در این خبر شود. با وجود اختلافاتی که بین امریکا و کشورهای اروپایی درباره برجام وجود دارد و همه کشورهای اروپایی بر پایندی خود به این معاهده بین المللی تأکید دارند و خواهان حفظ برجام هستند؛ اما نویسنده بر اساس آنچه ن دایک می‌گوید با کم‌اهمیت نشان دادن این اختلافات و برجسته کردن اتحاد امریکا و اروپایی‌ها، سعی در القای معنای موردنظر خود دارد. او در تیتر خبر (الأمريكيون والأوروبيون وإيران) دو واژه امریکا و اروپا را به صورت جمع به کار برده، اما واژه



ایران را به صورت مفرد به کار گرفته است. این نویسنده با بهکارگیری این واژگان درنظر دارد دو پیام را به مخاطب خود منتقل کند، نخست، اروپایی‌ها و امریکایی‌ها را کشورهایی متعدد و یکپارچه نشان دهد؛ دوم، انزوا و تنهایی ایران را به صورتی زیرکانه برای مخاطب خود به تصویر بکشد و این پیام را به مخاطب القا کند که اروپایی‌ها سرانجام ایران را می‌کنند و جانب امریکا را خواهند گرفت. پژوهشگران دیگری نیز به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های بین‌المللی و اغلب غربی در انعکاس اخبار ایران تلاش می‌کنند ایران را به‌گونه‌ای تنها و منزوی به نمایش درآورند و کنشگران غربی را مجموعه‌ای منسجم و متعدد به تصویر کشند (آق‌گلزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶).

استفاده از واژه «زعیم» برای ترامپ نیز یکی از واژه‌هایی است که بر اساس نظریه ون‌دایک با هدف برجسته‌سازی و بسیار زیرکانه انتخاب شده است. پس از خروج امریکا از برجام، اتحادیه اروپا با این تصمیم ترامپ مخالفت و اعلام کرد که به برجام پایبند است. در محافل سیاسی و رسانه‌ای جهان بحث بر سر این موضوع همچنان ادامه دارد که آیا اروپایی‌ها قادرند بدون حضور امریکا در عمل به برجام پایبند باشند؟ یا اینکه ترامپ آن‌ها را به همراهی با امریکا مجاب خواهد کرد؟

شبکه‌العریبیه برای پاسخ به این پرسش‌ها بر اساس نظریه ون‌دایک چند ویژگی رئیس‌جمهور امریکارا برجسته و در توصیف وی از واژه‌هایی نظیر «أقوى الرؤساء»، یعنی فعلاً لا قولًا، إله سیمچ، لیس رئیسا فحسب وإنما زعیم استفاده کرده است، واژه «زعیم» به معنای رهبر است و در علم مدیریت تفاوت عمدی‌ای بین «رئیس و رهبر» وجود ندارد. «برخی از اندیشمندان علوم انسانی رهبری را توانایی ترغیب دیگران به کوشش مشتاقانه جهت هدف‌های معین می‌دانند و برخی نیز به تحت تأثیر قراردادن دیگران جهت کسب هدف مشترک، رهبری می‌گویند» (رضائیان، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

شبکه‌العریبیه در حقیقت با انتخاب واژه «زعیم» برای ترامپ تلاش کرد ویژگی‌های او را برجسته کند و در پی القای این مفهوم است که ترامپ توانایی ترغیب دیگران و تحت‌تأثیر قرار دادن آن‌ها برای تحقق اهداف موردنتظر را دارد و قطعاً او نهایت تلاش خود را به عنوان یک رهبر به‌کار خواهد گرفت تا اتحادیه اروپا را ترغیب کند که از حمایت ایران دست بردارد.

کثر استفاده از حرف «سین» بر سر فعل مضارع (ستفشل، سستستفرز، سینچ، ستضعف و ستسترزف) که در ورای خود دارای معنای تأکید است و «بر تحقق وقوع امری در آینده نزدیک دلالت دارد»

(السامرائی، ۱۴۲۴ق: ۲۱/۴) نشان از این دارد که شبکه‌العربیه مطمئن است در آینده نه چندان دور تلاش‌های اتحادیه اروپا برای حمایت از ایران با شکست مواجه خواهد شد و موفقیت رئیس-جمهور امریکا در اجرای برنامه‌های خود ضد ایران حتمی است.

این متن براساس نظریه ون‌دایک تلاش‌های اروپایی برای حفظ برجام را به حاشیه برد و کمرنگ و تلاش‌های رئیس‌جمهور امریکا را برجسته کرده است.

نویسنده این متن خبری هرگاه بخواهد کاری را به ترامپ نسبت دهد از حرف «سین» استفاده می‌کند تا محقق شدن آن را حتمی بداند؛ اما در مقابل هرگاه درنظر دارد که درباره ایران سخن بگوید از حرف «لن» استفاده می‌کند (لن ترضح، لن تعول، لن تستطيع ولن تجد) تا با به‌کارگیری آن، تلاش‌های ایران برای تحقق آن را به حاشیه ببرد و محقق نشدن آن اقدام را درباره ایران به مخاطب القاء کند.

استفاده از الفاظی مانند «کل و جمیع» که از ادات تأکید هستند نیز یکی دیگر از شیوه‌هایی است که با هدف انتقال معنای مورد نظر به مخاطب در این متن به‌کار گرفته شده است (بعضها الجمع، کل المؤشرات ، زعیم بکل ما تحمله الكلمة من معنى، کل المؤشرات السياسية، الأوراق جميعها في يد الولايات المتحدة). نویسنده با به‌کارگیری این ادات تأکید در جای‌جای متن در پی القای این پیام است که به گفته ون‌دایک پیام موردنظر خود را برجسته کند و بگوید شکی در محتوای این خبر نیست.

#### ۵-۱-۲. استفاده از جملات اسمیه و فعلیه

جملات اسمیه دارای بار اقتاعی و بطریف‌کننده شک است (عکاشه، ۲۰۰۵: ۲۷). نویسنده با انتخاب جملاتی نظری «محاولات الأوروبيين ستفشل، إن الشركات الأوروبية الكبرى لن ترضخ لأي ضغط من حكومات، أمريكا هي الدولة المسيطرة، هذه حقيقة يعرفها الجميع، الرئيس ترامب من أقوى الرؤساء الأمريكية و...» در تلاش است با استفاده از ظرفیت‌های زبانی، بر اساس آنچه ون‌دایک می‌گوید ضمن به حاشیه بردن تلاش‌های اروپایی‌ها در حفظ برجام و کمرنگ کردن نتایج این تلاش‌ها، قدرت امریکا را برجسته و این پیام را به مخاطب منتقل کند که در پذیرش این موضوعات، تردیدی به خود راه ندهد و پیام موردنظر این رسانه را پذیرد.

### ۳-۱-۵ تکرار

تکرار یک کلمه در متن خبری، مخاطب را نسبت به آن کلمه حساس و توجه او را به تفکر بیشتر درباره آن جلب می‌کند. «تکرار بر اندیشه مخاطب تأثیر می‌گذارد و سبب می‌شود تا معنای کلمه موردنظر در اعماق ضمیر ناخودآگاه انسان حک شود، لذا با گذر زمان در ذهن مخاطب تثبیت-شده و پذیرفته می‌شود» (بدوی احمد، ۲۰۰۵: ۱۱۲).

فقط واژه‌ها نیستند که در ورای تکرار هدفمند آن‌ها حرف‌ها برای گفتن وجوددارد؛ بلکه در ورای تکرار هدفمند حروف نیز می‌تواند فلسفه‌ای وجود داشته باشد. حرف «واو» از حروفی است که در این متن تکرار شده است و تلفظ آن «به‌خاطر بیرون‌راندن هوا از دهان، معنای حرکت به جلو را می‌رساند و برای تحریک و به‌هیجان‌آوردن مؤثر پدیده‌ها به‌کار می‌رود» (بلوحی، ۲۰۰۴: ۱۱۲).

نویسنده با علم به اینکه حرف «واو» در این متن می‌تواند با زبان بی‌زبانی با مخاطب سخن-بگوید، از آن با هدف تحریک و به‌هیجان‌آوردن مخاطب استفاده کرده است. حتی تکرار آن در تیتر خبر (الأميركيون والأروبيون وإيران) نیز برجسته شده است.

یکی دیگر از حروفی که در این متن با همین نیت استفاده شده است، حرف «قاف» است. «حرف قاف نوعی معنای برتری جویی، آشفتگی و اضطراب را می‌رساند» (همان: ۹۵).

نویسنده این متن با توجه دقیق به فضای متن این خبر با کثرت استفاده از حرف «قاف» تلاش کرده تا آشفتگی و اضطراب را درباره ایران و برجام برجسته و به مخاطب منتقل کند. «از ضمیر فصل برای تقویت کلام و تأکید معنا استفاده می‌شود» (مترجمی، ۷۰: ۲۰۰۰). شبکه‌العربیه در این متن ضمیر فصل را در چند جا به‌کار گرفته است، «تضمين إيران هو في النهاية ستفشل، أمريكا هي الدولة المسيطرة، أنباء الحماية هو ضرب من كلام لا يدعم الواقع، الرئيس ترامب هو من أقوى الروس». با تکرار ضمیر فصل در این عبارت‌ها این شبکه در تلاش است بر اساس آنچه وندایک می‌گوید معنای مورد نظر خود را برجسته کند و تلاش‌های ایران در این عرصه را بنتیجه بداند و حمایت‌های اروپایی‌ها را توحالی و دور از واقعیت بداند و به حاشیه ببرد و به مخاطبان خود بگوید که در پذیرش این خبر تردیدی نداشته باشند.

#### ۴-۱-۵. اسلوب قصر

استفاده از اسلوب قصر در متن با هدف تأکید است؛ یعنی نویسنده به گفته خویش اطمینان دارد و شکی در تحقق آن نیست، «یکی از اهداف بهکارگیری قصر، مبالغه است» (التفتازانی، دست: ۱۸۱). بهکارگیری عبارت‌هایی مانند «لیس فی مقدور أَيِّ دُولَةٍ أَرْوَيْتُ التَّحْدِيفَ عَكْسَ مَا يَفْرَضُهُ الْأَمْرِيكِيُّونَ، تَرَابُ لَيْسَ رَئِيسًا فَحَسْبٌ وَإِنَّمَا زَعِيمٌ بِكُلِّ مَا تَحْمِلُهُ الْكَلْمَةُ مِنْ مَعْنَى، لَيْسَ فِي يَدِ إِيْرَانَ فِي النَّهَايَةِ إِلَّا الرَّضُوخُ» بر اساس نظر ون دایک، با هدف مبالغه در ویژگی‌های مثبت خود و مبالغه در بیان ویژگی‌های منفی غیر بهکار رفته است، موضوعی که «ون دایک» نیز از آن به عنوان یکی از شگردهای گفتمان‌های قدرت برای تأثیرگذاری بر مخاطب یاد می‌کند». (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). نویسنده متن با استفاده از جملاتی که قصر در آن‌ها بهکار رفته است در تلاش است تا با کمرنگ نشان دادن همه تلاش‌های اروپا درباره حفظ برجام و اینکه هیچ کشوری توانایی حرکت خلاف خواسته‌های امریکا در عرصه سیاست را ندارد بگوید که این تلاش‌ها به شکست خواهد انجامید و سرانجام ایران چاره‌ای جز تسلیم در برابر خواسته‌های امریکا را ندارد.

دومین متن شبکه العربية درباره واکنش بازار ایران به خروج امریکا از برجام است:

#### ۲-۵. ایران: شراة البازار و کماشة ترامب

تاریخ النشر: السبت ۱۶ شوال ۱۴۳۹ هـ - ۳۰ یونیو ۲۰۱۸

أغلق البازار الكبير في طهران أبوابه في بدايات هذا الأسبوع للمرة الأولى منذ الاحتجاجات التي مهدت لثورة ۱۹۷۸-۱۹۷۹، وإذا كان الغضب يتصل بنهاوي العملة الإيرانية بالقياس للدولار، إلا أنه يأتي في سياق حراك شعبي عميق بدأ في أواخر العام الماضي ولم يهدأ رفضاً لسياسات الحكم الخارجية وللأوضاع الاجتماعية والاقتصادية المتداة.

وليس مصادفة أن يتافق ذلك مع سلسلة الضغوط الأمريكية منذ قرار الرئيس دونالد ترامب الانسحاب من الاتفاق النووي، ووضع إستراتيجية مزدوجة من أجل احتواء النشاط الإقليمي للنظام الإيراني والسعى لتغيير سلوكه. هكذا توشر مسارات “الجمهورية الإسلامية” في الداخل والخارج إلى منحى انحداري، وتلوح في الأفق نهاية “الحقبة الإيرانية” أو “العصر الإيراني” في الشرق الأوسط الذي بدأ فعلاً لتأدية التمدد الإقليمي مع الدخول الأميركي إلى بغداد في العام ۲۰۰۳...

يتبع كل مراقب للشأن الإيراني إلى أهمية وتداعيات غضب روابط ورجال البازار، حيث إنّ تصافرهم إلى جانب رجال الدين وعتاب التقط كان من العوامل الحاسمة في سقوط الشاه.

ولذا بخاول القائمون على الحكم تقديم رواية مختلفة عن أحداث بازار طهران في الأيام القليلة الماضية، حيث أعلن المدعي العام، عباس جعفري دولت أبادی، أن “متيري الاضطرابات ليسوا من أهل السوق”， لكن الشهود والمصادر المستقلة أكدوا عكس ذلك لأن تحركات هذا القطاع كانت عفوية ردًا على وصول سعر الدولار إلى تسعه آلاف تومان (أي ضعف سعره مقارنة نهاية العام الماضي) وارتفاع اليورو وصعوبات شراء السلع وتحريك الدورة الاقتصادية.

واللافت للنظر احتدام التضخم وأخيار سعر العملة الوطنية قبل البدء بتطبيق العقوبات الاقتصادية الأمريكية في أغسطس القادم، وقبل طلب واشنطن من الدول الأخرى الامتناع عن استيراد النفط الإيراني ابتداء من نوفمبر القادم. ويعزو الكثير من الخبراء هذا التدهور إلى استمرار الإنفاق الإيراني على العمليات الخارجية من سوريا إلى اليمن، وكذلك بسبب الفساد وعدم الشفافية وسيطرة الحرس الثوري الإيراني على مراقب الاقتصاد، مما زاد أيضًا من نفقمة أهل البازار. والأدهى يتمثل في الحجم الكبير للأموال المهربة إلى الخارج.

بطال التردí الاقتصادي أكثر من ۴۳ بالمئة من الإيرانيين الذين يعيشون تحت خط الفقر...

زيادة على ذلك، تسعى إدارة الرئيس ترامب إلى وضع الحكم الإيراني بين فكي كماثة الضغوط الخارجية والاهتزاز الداخلي، ويبدو أن هذه الإستراتيجية المسقة تتضاعف فصولاً، وأن الدعم الأوروبي للاتفاق النووي لم يمنع أهم الشركات الأوروبية من مغادرة إيران خشية من العقوبات الاقتصادية الأمريكية.

إذاء التحدي الترامي والزلزال الداخلي الكامن يطرح البعض من النافذين تحمل الرئيس حسن روحاني المسؤولية، ويقال إن الحرس الثوري أخذ بطرح أسماء بديلة له...

این شبکه برای تأثیرگذاری بر مخاطب شیوه‌های زیر را به کار گرفته است:

#### ۵-۲-۱. دقت در انتخاب واژگان

دقت در انتخاب واژگان و عبارت‌های مناسب بافت موقعیتی یکی از ویژگی‌های متون خبری در شبکه العربية است.

نویسنده این متن خبری در همان سطر نخست خبر، از واژه «آب‌باب» استفاده کرده است (أغلق البازار أبوابه). این شبکه با انتخاب این واژه و با استفاده از تکنیک برجسته‌سازی در پی القای این معنا به مخاطب است که همه بازاریان دست به اعتراض زده‌اند و بازار تهران تعطیل است تا نامیدی و نگرانی را به مخاطب منتقل کند.

شبکه العربية هنگامی که از نوسانات اقتصادی در ایران سخن می‌گوید از فعل مضارع

«بطال» استفاده از فعل مضارع یعنی موضوعی که متن به آن اشاره می‌کند، تداوم خواهد داشت (ظهیری، د.ت. ۲۴۲). این شبکه نیز با انتخاب این فعل به دنبال این است تا برگسته کردن حوادث بازار ایران به مخاطبان خود القاء کند که این نوسانات ادامه خواهد یافت.

کثر استفاده از واژگانی که ناآرامی در بازار را به تصویر می‌کشد، یکی از راههای شبکه‌العربیه برای انتقال معنایی خاص به مخاطب است. این شبکه با به کارگیری واژگانی نظری (غضب، حراك، رفض، اضطرابات، تحركات وتدهور) تلاش کرده است بازار ایران را پر اضطراب به تصویر-بکشید تا مخاطبی که این خبر را می‌خواند، تصویر ناخوشایندی از بازار ایران در ذهنش تداعی-شود.

## ۲-۲-۵. تکرار

تکرار مانند ضربه‌های پیاپی چکش است که سرانجام میخ را به داخل می‌راند. بنابراین «فرستندهٔ پیام امیدوار است که این شکل از ضربه زدن مداوم، باعث دریافت نکات پیام شود» (خلیلزاده، ۲۲:۱۳۸۸).

نگاهی به این متن شبکه‌العربیه دربارهٔ بازار ایران بیانگر این واقعیت است که این رسانه با تکرار برخی از واژگان مانند «احتجاج، بازار، غضب البازار، المظاهرات، المرس الشري» می‌خواهد برخی از واژه‌ها را دو یا چندبار به مخاطب گوشزد کند که از کنار هم چین این کلمات معنای موردنظر شبکه با استفاده از مهارت برگسته‌سازی به مخاطب منتقل شود.

## ۳-۲-۵. تضاد

از آنجا که متن شبکه‌العربیه دربارهٔ نوسانات بازار ایران و اعتصاب بازاریان است، این شبکه برای به تصویر کشیدن این نوسانات و تضاد موجود بین بازاریان و حاکمیت از واژگان متضاد استفاده می‌کند.

«ارتباط میان دو کلمهٔ متضاد از واضح‌ترین چیزها جهت تداعی معانی در ذهن مخاطب است» (عمراحمد، ۱۹۹۸:۲۰۹). نویسندهٔ متن با استفاده از واژه‌هایی مانند «صعود و سقوط، داخل و خارج،  
الخارجي والداخلي، التصعيد والتهاوي، نشاط و توقف، فتح وإغلاق» در تلاش است تا دوگانگی‌های موجود در

ایران را برجسته کند و زیرکانه برای مخاطب به نمایش بگذارد.

#### ۵-۴-۵. اغراق و بزرگنمایی

استفاده از قیدهایی چون «المرة الأولى، حراك شعبي عميق، للأوضاع الاجتماعية والاقتصادية المتردية، منحى ايجاري، وتلوّح في الأفق نهاية "المقبة الإيرانية" كماشة الضعف الخارجي» باعث بزرگنمایی مشکلات و رساندن مقصود مورد دنظر نویسنده می‌شود.

### ۶. تحلیل متون خبری شبکه المغار

شبکه المغار شبکه اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای حزب‌الله لبنان است (بنین، ۱۴۳۵: ۵۲). این شبکه نیز مانند همه رسانه‌های خبری، شیوه‌های گوناگونی برای تأثیرگذاری بر مخاطب و همراه کردن او با سیاست‌های رسانه‌ای خویش دارد، یکی از شیوه‌های این شبکه، استفاده از ظرفیت‌های زبان‌شناسی برای تأثیرگذاری بر مخاطب و همراه کردن او با سیاست‌های رسانه‌ای خویش است. نخستین متنی که از این شبکه برای تحلیل استفاده شد، مربوط به واکنش اوباما رئیس-جمهور سابق آمریکا به خروج ترامپ از برنامه.

#### ۶-۱. اوباما: انسحاب ترامپ من الاتفاق النووي الإيراني «خطأ فادح»

9 May, 2018

أعرب الرئيس الأميركي السابق باراك أوباما عن أسفه لقرار خلفه دونالد ترامب الثلاثاء الانسحاب من الاتفاق النووي الإيراني، معتبراً هذا القرار «خطأً فادحاً» من شأنه أن ينال من صدقية الولايات المتحدة في العالم. وقال أوباما في بيان «أعتقد أن قرار تعريض خطة العمل الشاملة المشتركة للخطر من دون أن تكون قد انتهكت من جانب الإيرانيين هو خطأً فادح».

وأضاف الرئيس السابق الذي قلما يدلي بتصريحات منذ خروجه من البيت الأبيض أن «الولايات المتحدة قد تحد نفسها في نهاية المطاف أمام خيار خاسر بين إيران تمتلك سلاحاً نورياً أو حرب أخرى في الشرق الأوسط». وشدد الرئيس الديموقراطي السابق على أن «الحقيقة واضحة»، معتبراً أن الاتفاق الذي هو «غواص على ما يمكن للدبلوماسية أن تحقق» يحقق النتائج المتواحة منه و «هو في مصلحة أميركا». وأعرب أوباما أيضاً عن أسفه لأن قرار ترامب يعني إدارة الولايات المتحدة ظهرها «لأقرب حلفاء أميركا».

وأضاف «في نظام ديمقراطي، هناك دوماً تغييرات في السياسة والأولوية من إدارة إلى أخرى، ولكن أن نضرب بعرض الحائط الاتفاقيات التي وقع عليها بلدنا هو أمر يهدد بالنيل من مصداقية الولايات المتحدة». وشدد أوباما على ضرورة أن «تركتز النقاشات في بلدنا إلى الواقع». في انتقاد واضح لخلفه الجمهوري. وكان ترامب أعلن في وقت سابق الثلاثاء انسحاب الولايات المتحدة من الاتفاق النووي مع إيران الذي وصفه بـ«الكارثي»، وإعادة العمل بالعقوبات الأميركية على طهران.

شبكة المثار برای تأثیرگذاری غیرمستقیم بر مخاطبان خود از شیوه‌های زیر استفاده کرده است:

#### ۱-۶. دقت در انتخاب واژگان

یکی از ویژگی‌های این متن استفاده هدفمند از واژگان مثبت و منفی در راستای تأمین اهداف متن است. در این خبر هنگام صحبت درباره برجام و ایران چنان واژگان مثبت در کنار هم چیده شده است که از کنارهم قرارگرفتن این واژه‌ها احساس خوشایندی به مخاطب دست می‌دهد و در مقابل با استفاده از واژگانی که نتیجه آن انتقال نگرانی و ترس به مخاطب است، تلاش می‌کند با بهکارگیری واژگان منفی در این زمینه به هدف خود برسد که همان هشدار به سران و مردم امریکا درباره عواقب خروج امریکا از برجام است.

مخاطبی که این متن را می‌خواند نسبت به خروج امریکا از برجام موضوعی منفی خواهد گرفت که در راستای اهداف شبکه خبری نزدیک به ایران یعنی المثار لبنان است. در این خبر که از زبان باراک اوباما رئیس جمهور سابق امریکا بیان شده است، ویژگی‌های مثبت برجام برجسته و از آن به عنوان یک معاهده بین‌المللی، حاصل تلاش‌های دیپلماتیک، به مصلحت امریکا و تقویت‌کننده صلح بین‌الملل یاد شده که ایران به آن پایبند بوده است؛ پایبندی ایران به این معاهده بین‌المللی که از زبان رئیس جمهور سابق امریکا به آن اشاره می‌شود یک امتیاز مثبت برای ایران است و به نظر او باما نتیجه خروج ترامپ از برجام، دستیابی ایران به سلاح انتی یا وقوع یک جنگ دیگر در خاورمیانه است که هردو به ضرر امریکاست.

یکی دیگر از ظرافت‌های موجود در انتخاب واژگان این متن این است که به جای «خروج امریکا از برجام» از عبارت «خروج ترامپ از برجام» استفاده و از این خروج به عنوان خطای بزرگ یاد می‌شود. این شبکه با انتخاب واژه «ترامپ» به جای امریکا سعی در القای این معنا

دارد که اختلاف نظر آمریکایی‌ها را درباره برجام برجسته کند و بگوید خروج آمریکا از برجام تصمیم ترامپ است و همه آمریکایی‌ها موافق با آن نیستند.

یکی از واژه‌هایی که در راستای اهداف رسانه‌ای شبکه‌المنار در این متن قرار گرفته، استخدام ضمیر «هو» در پاراگراف چهارم متن است، که دوبار از این ضمیر استفاده شده است و مرجع هردو ضمیر «برجام» است. در این عبارت به راحتی می‌شود از اسم‌های اشاره «هذا و ذلك» به جای ضمیر استفاده کرد؛ اما شبکه‌المنار با انتخاب این ضمیر قصد داشت با استفاده از ابزار حاشیه‌رانی، خروج آمریکا را کم‌رنگ نشان دهد و این نکته را به مخاطبان خود گوشزد کند که با وجود خروج آمریکا از برجام، این معاهده همچنان زنده است.

نکته دیگری که در راستای انتخاب هدفمند واژگان، می‌شود به آن اشاره کرد، این است که در متن دوبار از حرف «قد» استفاده شده است: یک بار برای نقض‌نشدن برجام از سوی ایران که حرف «قد» با فعل ماضی آمده است و یکبار نیز برای دستاورده خروج آمریکا پس از خروج ترامپ از برجام که حرف «قد» در این عبارت با فعل مضارع ذکر شده است. «حرف «قد» با فعل ماضی غالباً برای تحقیق و تأکید و با فعل مضارع غالباً برای تقلیل به کار می‌رود» (الشیرتونی، ۱۳۷۴/۲۲۱/۳).

هرگاه قد با فعل ماضی همراه شود این مفهوم را به ذهن متابد می‌کند که در انجام این فعل تردیدی وجود ندارد. براین اساس، متن در پی القای این نکته است که با برجسته کردن پایبندی ایران به برجام به مخاطب خود بگوید ایرانی‌ها صد درصد به برجام که یک معاهده بین‌المللی است، پایبند بودند؛ اما در مقابل، آمدن «قد» با فعل مضارع برای خروج ترامپ از برجام با هدف حاشیه‌رانی و بی‌فایده دانستن آثار این خروج برای مردم آمریکاست؛ زیرا او باما تردید دارد که این تصمیم ترامپ دستاورده برای مردم آمریکا داشته باشد.

#### ۶-۱-۲. استفاده از جملات اسمیه و فعلیه

یکی از موضوعات مهم در چنین متن‌هایی جملات اسمیه یا فعلیه از سوی رسانه‌ها در راستای اهداف مورد نظر متن است. جملهٔ عنوان تیتر این متن، اسمیه است (انسحاب ترامپ من الاتصال النووي الإیرانی خطأ فادح). «جملهٔ اسمیه دارای بار اقتاعی و برطرف‌کننده شک است» (عکاشه، ۸۰۰:۸۲) و به مخاطب این اطمینان را می‌دهد که برای خواندن خبر و پذیرش آن هیچ شکی به خود راه ندهد.

جملات فعلیه اما با معنایی دیگری دارند و انتخاب آن‌ها با اهداف دیگری انجام می‌شود.  
«جملات فعلیه به‌سبب زمان‌مند بودن دلالت بر تحرک و فعالیت دارند» (همان: ۸۳). کثرت استفاده از جملات فعلیه در این متن خبری با هدف برجسته کردن دغدغه‌های او باما، بیانگر فعالیت‌های او باما برای حفظ برجام و حکایت از تلاش‌های او برای بازگشت ترامپ به این معاهده بین‌المللی دارد.

### ۶-۱-۳. تکرار

همانگونه که بیان شد از تکرار کلمات برای جلب توجه مخاطب استفاده می‌شود. رسانه‌ها تلاش-می‌کنند با تکرار برخی از واژه‌ها اهمیت آن را به مخاطب گوشزد کنند. در این متن واژه‌ها و عبارت‌هایی مانند «خطاً فادح، تحديد صدقية الولايات المتحدة، شدد، الولايات المتحدة وأمريكا» تکرار شدند تا سبب توجه بیشتر مخاطب به معنا شوند. متن دیگری که از شبکه المnar برای تحلیل انتخاب شده مربوط به افزایش قیمت نفت در بازار جهانی و ظرافت‌های زبانی برای استفاده از این خبر با هدف تأمین اهداف رسانه‌ای این شبکه است.

### ۶-۲. النفط يقفز أكثر من %۲ بعد انسحاب أمريكا من اتفاق إيران النووي

2018, May ۹

ارتفعت أسعار النفط أكثر من اثنين بالمئة لتصل إلى أعلى مستوى لها في ثلاثة أعوام و نصف العام يوم الأربعاء بعدما انسحب الرئيس الأمريكي دونالد ترامب من اتفاق نووي دولي مع إيران، و هي خطوة من المرجح أن تحد من صادرات الدولة العضو في منظمة أوبك من الخام في سوق يعاني بالفعل شح المعروض. وأعلن ترامب مساء الثلاثاء انسحاب الولايات المتحدة من الاتفاق المبرم عام ۲۰۱۵، مما يزيد مخاطر الصراع في الشرق الأوسط ويشير حالة من عدم اليقين بشأن إمدادات النفط العالمية. و ارتفع الخام القياسي العالمي إلى ۷۵.۷۶ دولار للبرميل إلى أعلى مستوى خلال جلسة يوم الأربعاء مسجلاً أفضل أداء له منذ نوفمبر تشرين الثاني ۲۰۱۴. وكان بلغ ۷۶.۶۶ دولار للبرميل في الساعة ۰۱۳۷ بتوقيت جرينتش، مرتفعاً ۱۰.۸۱ دولار أو ما يعادل ۲.۴% في المائة عن آخر إغلاق له. و صعدت العقود الآجلة الخام غرب تكساس الوسيط الأمريكي ۱۰.۵۱ دولار، أو ما يعادل ۲.۲ بالمائة، إلى

۷۰۰.۶۱ دلار للرمیل لیقترب أيضاً من أعلى مستوىه منذ آخر ۲۰۱۴.

و قال وليام أولافلين المخل الاستثماري في ريفكين سيكوريتيز الاسترالية "الحدث الأكبر الليلة هو إلغاء الرئيس ترامب الاتفاق النووي المبرم مع إيران عام ۲۰۱۵. وبالتالي (من المرجح) أن تُفرض العقوبات مرة أخرى على إيران وهو ما سيؤثر قطعاً على صادراتنا النفطية".

و إذا أعاد ترامب العمل بالعقوبات الأمريكية الرئيسية، فسيتعين عليه بموجب القانون الأمريكي الانتظار ما لا يقل عن ۱۸۰ يوماً لفعل ذلك ما لم يجر التوصل إلى اتفاق ما آخر قبل انتهاء تلك المدة.

و قال محللون في (آر.بي.سي كابيتال ماركتس) إن صادرات إيران قد تنخفض بواقع ۲۰۰ ألف إلى ۳۰۰ ألف برميل نتيجة لذلك. ييد أن مسؤولين إيرانيين قالوا إن صناعة بلادهم النفطية ستواصل التطور حتى إذا انسحب واشنطن من الاتفاق النووي.

در این متن شبکه المnar نیز از شیوه‌های مختلف زبان‌شناسی استفاده شده تا اهداف موردنظر این شبکه محقق شود.

#### ۱-۲-۶. دقت در انتخاب واژگان

این متن با کثرت استفاده از واژگان منفی مانند «ارتفاع أسعار النفط، مخاطر الصراع، صعود سعر عقود النفط وانسحاب الرئيس الأمريكي» در تلاش است تا عواقب خروج امریکا از برجام را برای مخاطبان خود برجسته کند. هنگامی که واژه‌های منفی موجود در متن، مانند حلقه‌های زنجیر بهم متصل می‌شوند، خروجی آن ارسال پیامی نگران‌کننده به مخاطب است که این تصمیم امریکا قیمت نفت را افزایش می‌دهد.

اقتصاد اروپا و بسیاری از کشورهای واردکننده نفت با افزایش قیمت آن دچار آسیب خواهد شد. «افزایش قیمت نفت همچنین می‌تواند سیاست‌های پولی برخی از کشورها نظری تایلند، اندونزی، فیلیپین و آفریقای جنوبی را نیز سریعاً تحت تأثیر قرار دهد» (العالم، ۱۳۹۷).

استفاده از واژه «أعلى مستوى» نیز سند دیگری است که شبکه المnar برای تأثیرگذاری بر ذهن مخاطبان بهکار گرفته است تا بر اساس آنچه ون دایک در نظریه برجسته‌سازی می‌گوید آثار خروج ترامپ از برجام را برجسته و معنای موردنظر خود را به او القا کند. این عبارت که قیمت نفت به بالاترین میزان خود در سه سال و نیم گذشته رسیده است، پیامی را روایت می‌کند که مدنظر صاحبان شبکه است.

واژه «مخاطر الصّرّاع» نیز علاوه بر اینکه از خطرات و هزینه‌های جنگ در خاورمیانه سخن می‌گوید دارای یک پیام پنهان به مردم امریکا نیز هست که در صورت وقوع جنگ، جان سربازان امریکایی که فرزندان آن‌ها هستند در معرض خطر قرار می‌گیرد.

حرف «ق» در این خبر برای ایران با فعل مضارع به کار رفته است که در بردارنده شک و تردید و کاهش قطعیت آن است. شبکه‌المنار با بیان این جمله که « الصادرات ایران قد تخفض» در تلاش است تا اثرگذاری تحریم‌ها بر صادرات نفت ایران را کم‌رنگ سازد و در تأثیرگذاری آن تردید ایجاد کند.

#### ۶-۲-۲. استفاده از جملات اسمیه و فعلیه

در تیتر این خبر نیز از جمله اسمیه استفاده شده است تا به مخاطبان آن گفته شود این رسانه به آنچه می‌گوید اطمینان تام دارد و نسبت به آنچه در متن خبر می‌آید، تردیدی وجود ندارد و گویا امری ثابت است.

کثرت استفاده از جملات فعلیه مانند «ارتفاع، بزید، صعد» نیز که بر تحرک و فعالیت دلالت دارد، در این متن از نوسانات قیمت نفت حکایت می‌کنند که پس از خروج امریکا از برجام در این بازار به وجود آمده است.

#### ۶-۲-۳. تکرار

تکرار واژه‌ایی مانند «ارتفاع، ارتفاع و صعدت» در این متن در راستای معنا و مفهوم موردنظر مسئولان شبکه خبری‌المنار است که با تکرار این کلمات پیام موردنظر خود را بر اساس نظریه ون دایک برجسته و موضوع مهمی را به مخاطبان خود گوشزد می‌کنند که آن افزایش قیمت نفت پس از خروج ترامپ از برجام است.

#### ۷. نتیجه

برجسته‌سازی وحاشیه‌رانی سازوکارهایی هستند که به واسطه آن دو گفتمان رسانه در شبکه‌های العربية والمنار تلاش کردند تا با بهره‌گیری از آن، نقطه قوت خود را برجسته و نقاط ضعف خود را پنهان کنند و بر عکس نقاط قوت غیر یا دشمن را به حاشیه ببرند و نقاط ضعف او را

برجسته کند. هر دو شبکه از این دو تکنیک، برای القای مفاهیم موردنظر خود استفاده کردند. دقت در دو متن شبکه‌العربیه نشان می‌دهد این شبکه در اخبار مربوط به ایران از واژگان منفی زیادی در متن خود استفاده کرد تا از چینش این واژگان منفی و برجسته شدن آن‌ها، پیام مؤیوس‌کننده‌ای درباره ایران به مخاطب مخابره کند.

تکرار برخی از واژه‌های منفی مرتبط با ایران نظیر «مازن، العقوبات، الولايات المتحدة، انسحاب، تغول، یعنیها وحشتناق» درنهایت طرافت، مشکلات کونی ایران درباره تحریم را به سرمایه‌گذاری سیاسی این کشور در کشورهایی نظیر یمن، لبنان، عراق و سوریه پیوند می‌زند و به مخاطب خود آدرس می‌دهد که مشکل کار کجاست؟

در مقابل، شبکه‌المنار نیز به‌خوبی از این ابزارهای زبانی برای تحقق اهداف خود استفاده و تلاش کرد با حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی مفاهیم موردنظر خود را به مخاطب منتقل کند.

تأمل در متن خبری که در شبکه‌المنار از زبان اوپاما بیان شده مؤید این است که چندین ویژگی منفی ترامپ در این خبر برجسته شده است و مخاطبی که این خبر را می‌خواند ترامپ را انسانی زورگو، خودخواه، ناقص معاهدات بین‌المللی، بی‌اعتبا به اصول دیبلماتیک، بی‌توجه به مصلحت امریکا، جنجال آفرین و ناصادر می‌یابد.

برجسته‌سازی ویژگی مثبت خودی‌ها نیز یکی دیگر از راهکارهایی است که رسانه‌ها از طریق آن تلاش می‌کنند معنا و مفهوم موردنظر خود را به مخاطب القا کنند، چینش هدفمند واژگان و استفاده بجا از حروف و افعال در راستای اهداف این خبر سبب شد تا مخاطبی که آن را مطالعه می‌کند ایران را کشوری پایبند به قوانین و معاهدات بین‌المللی، پایبند به برجام و دارای رفتاری صادق بیابد.

## ۸ پی‌نوشت‌ها

1. Highlighting.
2. Marginalization.
3. Teun Adrianus van Dijk.
4. Norman Fairclough.
5. Zellig Harris.
6. Highlighting.
7. Distortion.
8. Censorship.

9. Contradiction.
10. Ambiguity.

## ۹. منابع

### الف) منابع فارسی:

- آفگل زاده، فردوس (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی*. ج. ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- ————— و رضا خیرآبادی (۱۳۹۲). *زیان‌شناسی خبر*. ج. ۱. تهران: نشر علمی.
- ————— و همکاران (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیون)». *جستارهای زبانی*. د. ۴. ش. ۱. پیاپی ۱۳. صص ۱۹۶-۱.
- بهرامپور، شعبان علی (۱۳۸۹). *مقدمه تحلیل گفتمان انتقادی*. ج. ۱. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- خلیلزاده، مهدی (۱۳۸۸). *بازنمایی غیرواقعی در رسانه*. تهران: معاونت پژوهشی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- رضاییان، علی (۱۳۹۰). *اصول مدیریت*. ج. ۲۲. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷). *قدرت و گفتمان و زبان؛ ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشرنی.
- «تحلیل خبری از مجله اقتصادی بلومبرگ» (۱۳۹۷). *شبکهٔ العالم*. جمعه ۲۷ مهر.
- ظهیری، عباس (بی‌تا). *تجزیه و ترکیب و بлагت قرآن*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- معتمدیزاده، کاظم و محمد مهدی‌زاده (۱۳۸۵). «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، تحلیل گفتمان انتقادی "نیویورک تایمز"، "گاردین"، "لوموند" و "دی ولت"». *علوم اجتماعی*. ش. ۳۶. صص ۱۹۶-۱.
- همشهری آنلاین (۱۳۸۷). «آشنایی با شبکهٔ تلویزیونی العربیة». کد خبر ۵۳۵۳۵. پنجشنبه ۹

خرداد.

(ب) منابع عربی:

- أحمد بدوي، أحمد (٢٠٠٥). من بلاغة القرآن. القاهرة: خصبة مصر.
- بلوحي، محمد (٢٠٠٤). آليات خطاب النقد العربي الحديث في مقارنة الشعر الجاهلي بحث في تجليات القراءات المعاصرة. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- بنين فاطمة الزهرة (١٤٣٥ق). اعتماد الجمهور على القنوات الفضائية الإخبارية في الحصول على المعلومات حول الأزمات العربية. رسالة الماجستير في جامعة الشهيد حمـه لـخـضر الـوـادي في الـجـزاـئـر.
- الشفازاني سعد الدين (د.ت). شرح المختصر. قم: دار المحكمة.
- الشتروني، رشيد (١٣٧٤ش). مبادئ العربية. طهران: أساطير.
- السامرائي، فاضل صالح (١٤٣٤ق). معانـي النـحوـ. الطبـعةـ الأولىـ. دـمـمـ: مـوسـسـةـ التـارـيخـ العـربـيـ.
- عكاشه محمود (٢٠٠٥). لغـةـ الخطـابـ السـيـاسـيـ درـاسـةـ لـغـورـةـ تـطـيـقـيـةـ فـيـ ضـوءـ نـظـرـيـةـ الـاتـصالـ. مصر: دار النشر للجامعات.
- مختار عمر أحمد (١٩٩٨). علم الملاحة. الطـبعـةـ الخامـسـةـ. القاهرة: عـالمـ الكـتبـ.
- مطرجي، محمود (٢٠٠٠). فـيـ النـحوـ وـتطـيـقـاتـهـ. الطبـعةـ الأولىـ. بيـرـوـتـ: دـارـالـنهـضـةـ العـربـيـةـ لـلـطبـاعـةـ وـالـشـرـ.

**References:**

- “Al-ālam News Network” (2018). *Economic News analysis of Bloomberg. Economic Magazine*. 19 October 2018. [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. & R. Kheirabadi, (2014), *Linguistics of News*. Tehran: Scientific Publication.[In Persian].
- ----- (2015). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- ----- et al. (2013). “Comparative study of the representation of the Iranian and western actors in the nuclear file of iran in international media”. *Language Related Research*. Vol.4. No.1. Pp.1-19. [In Persian].

- Ahmad, B. (2005). *The Rhetoric of the Qur'an*. Cairo: Egyptian Renaissance Publications. [In Arabic].
- Al-Shartauni, R. (1995). *Basics of Arabic Language*. Tehran: Asatir Publication. [In Arabic].
- Bahrampour, Sh. (2010). *Introduction to Critical Discourse Analysis*. Tehran: Media Studies and Research Center. [In Persian].
- Baluhi, M. (2004). *New Arab Criticism Discourse Mechanism*. Damascus: Arab Writers Union. [In Arabic].
- Fatemeh, Z. (2014). *People Trust in Satellite News Networks*. Algeria. [In Arabic].
- Hamshahri online (2008). "Introduction to Al-ārabiya Television network". Thursday. 29 may 2008. [In Persian].
- Mahdi, Kh. (2009) .*An Unrealistic Representation in Media*. Research Deputy of Research and Media Planning. [In Persian].
- Mahmoud, A. (2005). *The Language of Political Discourse*. Egypt: Publishing House for Universities. [In Arabic].
- Mokhtar, A. (1998). *Semiotic Science*. CAIRO: Alam Al-ketab Publishing.[In Arabic].
- Motamednejad, K. & M. Mahdizadeh, (2006), "Iran representation in the Western press". *Journal of Social Sciences*. No.36. [In Persian].
- Motreji, M. (2000). *On Grammar of Arabic Language And Adaptations*. BEIRUT: Darlanehda Publication. [In Arabic].
- Rezaeian, A. (2011) *Principles of Management*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Saadoddin, T. (No date). *Description of Al-Mukhtasar*. Qom: Darol Hekmat Publications. [In Arabic].
- Sameraei, F. (2013). *Meanings of Arabic Grammar*. Institute of Arabic History. [In Arabic].

- Soltani, A. (2008). *Power, Discourse and Language; Mechanisms of Power in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ney Publications [In Persian].
- Zahiri, A. (No date). *Analysis, Composition and Rhetoric of the Qur'an*. Qom: Boustane ketab Institution. [In Persian].